

موجودیت یک دهه نیروهای بیگانه

در آینه ارقام و حقایق

(قسمت اول)

دیدگاه «اصالت» پیرامون یک دهه موجودیت قوای خارجی در افغانستان



پس از آنکه رژیم جنایتبار و شروری "طالبان" سرنگون شد، با در نظر داشت وعده و بیمان خارجیها، مردم افغانستان باید آزادی، دموکراسی و مردم سالاری را تجربه میکردند اما برعکس با یک وحشت و ظلمت نیروهای اجانب و دست پروردگان و اجبران داخلی که با تغییر چهره ظاهری و تبدیل لباس دیروزی کشور را به آتش کشیدند و مردم ستمدیده را کباب و بریان نمودند. این بود دموکراسی، آزادی، مردمسالاری و حقوق انسانی.

یک دهه از آغاز حمله نیروهای خارجی به کشور می گذرد. در این مدت نه از بهتر شدن اوضاع زنده گی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در کشور حکایت دارد و نه سایه سنگین تروریستان از زنده گی مردم رخت بر بسته نه "القاعده" پایگاه امن خود را در این سرزمین از دست داده است و نی دست اندازی و مداخله همسایگان قطع شده است. جنگی که بوش فرمانش را صادر کرد هنوز هم در کشور ادامه دارد و هنوز روشن نیست کشور و مردم چه زمانی رنگ صلح و آرامش را خواهند دید.

حقایق و ارقام بین المللی حکایت از آن دارد که در این سال ها آمار کشتار غیر نظامیان و به خصوص از سال ۲۰۰۵ به بعد رو به افزایش بوده است. اردو و پولیس هم از این روند جدا نبوده اند تا آنجا که این نیروها در سال ۲۰۱۰ بیشترین تعداد کشته شدگان را داشته اند. نیروهای آمریکایی، انگلیسی و دیگر کشورهای ائتلاف هم در سال ۲۰۱۰ بیشترین تلفات را به ثبت رسانده اند. ارقام تلفات نیروهای ائتلافی تا اگست ۲۰۱۱ نزدیک به تمام کشته شدگان در سال ۲۰۰۹ بوده است.

با آنکه امریکاییها همواره بصورت یکجانبه ادعا میکنند که واشنگتن با صرف هزینه ی ملیارد ها دالر در افغانستان متحد نزدیک و دوست استراتژیک امریکاست ولی واقعیت های جاری در کشور خلاف این ادعا را نشان میدهد. افغانها دیگر به خارجیها اعتماد ندارند و به این نتیجه رسیده اند که از نظر واشنگتن خون یک سرباز امریکایی که در جنگ افغانستان کشته میشود بسیار با ارزش تر از خون هزاران افغان بی گناه دهنشین گرسنه است، اکنون این صدا در همه جای افغانستان و حتی در فضای ارگ ریاست جمهوری طنین انداز است که امریکایی ها و متحدین اروپایی اش برای استقرار صلح و نهادینه کردن دموکراسی و مبارزه با "طالبان" در کشور حضور ندارند بلکه اهداف فرامرزی خود را تعقیب میکنند. ولی چه "طالبان" باشند و چه نباشند این خوی بیگانه ستیزی افغانهاست که هیچگاه سر تسلیم در برابر بیگانه های متجاوز فرود نمی آورند غیرت افغانی و غرور ملی افغانها اینگونه تسلیم شدن های ذلت بار را بر نمی تابد.

یک جنرال سابق انگلیس که در جنگ سوم افغان و انگلیس در سال ۱۹۱۹ میلادی شرکت داشت در خاطرات خود مینویسد "ما میتوانیم صحراهای خشک و سوزان افریقا را تا سواحل مدیترانه برای ملکه بریتانیا فتح کنیم ولی جنگ در افغانستان برای ما یک خودکشی است این ملت رام شدنی نیست". به اینصورت نبرد واقعی افغانها با اشغالگران انگلوساکسونی زمانی آغاز خواهد شد که جنگجویان عقب گرا و بدنام "طالب" سلاح های خود را بر زمین بگذارند و از صحنه کنار بروند.

امریکا در جنگ افغانستان عمدتا سربازان اجیر سیاهپوست دارای ملیتهای افریقایی و مجرمین و تبهارانی را که به حبس ابد محکوم شده اند و نیز قاتلان بیرحم و عناصر روانی را تحت پرچم ائتلاف

مبارزه علیه تروریسم به افغانستان وارد کرده و قوماندانی جنگ را به سازمان سیا و عناصر مرتبط با آن واگذار کرده است.

پنتاگون این نیرو های اجیر را در قالب سربازان قوای دریایی ایالات متحده وارد افغانستان کرده و علی رغم تبلیغاتی که انجام میشود دست آنها را به ارتکاب انواع جنایت ها باز گذاشته است. در خیلی از موارد خود این سربازان که حتی در خود ایالات متحده قانون پذیر نیستند بدون اجازه و دستور قوماندانان مافوق خود بطور خود سرانه به جرم و جنایت دست می زنند.

طبیعی است که این اعمال با واکنش تند و ضد امریکایی افغانها رو به رو گردد به حدی که اکنون اکثر افغانها بر این عقیده اند که شوروی ها با تمام عملکردهای نادرست و اشتباه آمیز بهتر از امریکایی ها بودند.

خود قوماندانان امریکایی اعتراف میکنند که ماه آگست که مصادف با ماه مبارک رمضان در افغانستان بود خونین ترین ماه برای نیروهای امریکایی در دهسال گذشته بود.

در این ماه نبرد ها به نقطه ی اوج خود رسید و در مدت سی روز این ماه شصت و شش تن از سربازان امریکایی در مناطق مختلف افغانستان کشته شدند.

انتقال جنازه های این مقتولین به امریکا برای قوماندانان و دولتمردان آن کشور به یک معضل تبدیل شد. آنها ترجیح دادند برای پیشگیری از تحریک احساسات ضد جنگ در جامعه امریکا که به بالا ترین حد خود رسیده است جنازه ها را بدون تشریفات و مراسم رسمی و به گونه ی جدا جدا و منفرد و حتی مخفیانه به خانواده های شان تحویل دهند، این همان تاکتیکی است که امریکایی ها در طول جنگ ویتنام از آن استفاده میکردند.

انتقال شصت و شش جنازه در یکماه روشن ترین پیام به مردم امریکاست که در این کشور جایی برای سربازان بیگانه و جود ندارد، طیاره ای که از امریکا به مقصد افغانستان اسلحه و جنگ افزار و کارشناس نظامی و اطلاعاتی می آورد از این کشور تابوت های جنازه به امریکا انتقال میدهد.

طی دهسال گذشته در جنگ علیه "طالبان" و "القاعده" در کشور بیش از ۲۷۱۰ سرباز خارجی کشته شده که بیشتر آنها را امریکایی ها تشکیل می دهند. همچنان در همین مدت بیش از ۱۸ هزار سرباز خارجی زخم برداشته اند، که ۱۳۵۰۰ تن آنها را امریکایی ها تشکیل می دهند. بعد از آنکه به تاریخ ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی امریکا مورد حملات قرار گرفت، به تاریخ هفتم اکتوبر همین سال؛ نیروهای متحد به رهبری امریکا در افغانستان علیه "القاعده" و "طالبان" جنگ را آغاز نمودند. اکنون از این جنگ دهسال میگذرد، اما هنوز هم وضعیت امنیتی در کشور روز به روز رو به خراب شدن است. طی این جنگ دهساله بر علاوه دهها هزار افغان به هزارها سربازان خارجی نیز تلفات وارد گردیده است. طبق معلومات صفحه انترنیتی خسارات و یا (آی کژولیتز) که در عراق و افغانستان شماری تلفات نیروهای خارجی را منتشر مینماید، طی دهسال گذشته ۲۷۱۰ سرباز خارجی در افغانستان کشته شده است.

از جمله این سربازان؛ شماری آنها در جنگ افغانستان دخیل بودند، و شماری هم در کشورهای دیگری که پایگاه های نظامی امریکا و کشورهای دیگر در آنجا قرار دارد، به قتل رسیده اند. طبق معلومات منبع در جمع این سربازان کشته شده ۱۷۶۵ تن آنها امریکایی ها، ۳۸۰ تن آنها انگلیسها، ۱۵۷ کانادایی، ۷۳ فرانسوی، ۵۳ آلمانی، ۴۲ دنمارکی، ۳۹ ایتالیوی، ۳۳ هسپانیوی، ۲۹ پولیندی، ۲۹ استرالیایی، ۲۵ هالندی و متباقی آنها سربازان کشورهای دیگر مربوط ناتو میباشند.

در سال اول ۲۰۰۱ حمله امریکا بر افغانستان؛ فقط ۱۲ سرباز خارجی کشته شده بود، که تمام آنها امریکایی ها بودند.

همچنان ۷۰ سرباز در سال ۲۰۰۲، ۵۸ سرباز در سال ۲۰۰۳، ۶۰ سرباز در سال ۲۰۰۴، ۱۳۱ سرباز در سال ۲۰۰۵، ۱۹۱ سرباز در سال ۲۰۰۶، ۲۳۲ سرباز در سال ۲۰۰۷، ۲۹۵ سرباز در سال ۲۰۰۸، ۵۲۱ سرباز در سال ۲۰۰۹، ۷۱۱ سرباز در سال ۲۰۱۰ و در سال جاری ۲۰۱۱ تا کنون ۴۳۰ سرباز کشته شده است.

سال ۲۰۱۰ گذشته؛ طی جنگ دهسال گذشته یک سال خونین برای نیروهای خارجی بود، که در آن ۷۱۱ سرباز خارجی کشته شده است. همچنان ماه جون همین سال یک ماه خونین بود، که در آن ۱۰۳ سرباز خارجی کشته شده است.

رویداد خونین برای نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۱ میلادی در ولسوالی سیدآباد ولایت میدان وردگ به میان آمد، که در نتیجه سقوط یک هلیکوپتر ۳۱ سرباز امریکایی کشته شد. دو سال قبل از این در ولایت خوست بر مرکز استخباراتی امریکا (سی ای ی ای) حمله انتحاری صورت گرفت که در نتیجه آن؛ هفت مقام بلند رتبه این اداره کشته شد.

اما رویداد عظیم خونین این جنگ بیرون از افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی در ماه می زمانی به میان آمد، هنگامیکه یک طیاره نیروهای هسپانیوی مستقر در افغانستان که سربازان خود را منتقل میکرد در ترکیه سقوط نمود و ۶۲ سرباز آن کشته شدند. طی دهسال گذشته؛ ولایت هلمند یک ولایت خونین برای نیروهای خارجی به اثبات رسیده است. که تاکنون در این ولایت ۷۷۰ سرباز خارجی کشته شده که اکثریت آنها را امریکایی ها و بریتانیوی ها تشکیل میدهند.

برعلاوه، هزارها سرباز امریکایی در این ولایت، ۱۰ هزار سرباز بریتانیوی و شماری از سربازان دنمارکی مستقر اند.

ولایت کندهار طبق این لست در درجه دوم قرار دارد، که در آن ۴۰۰ سرباز خارجی کشته شده که اکثریت آنها کانادایی و امریکایی ها اند. همچنان ۱۶۳ سرباز در ولایت کنر، ۱۳۷ سرباز در کابل، ۱۲۳ سرباز در پکتیکا، ۹۹ سرباز در زابل، ۹۰ سرباز در میدان وردگ، ۸۰ سرباز در غزنی، ۶۵ سرباز در ارزگان، ۵۴ سرباز در پروان، ۴۵ سرباز در فراه، ۴۴ سرباز در هرات، ۴۳ سرباز در ننگرهار، ۴۱ سرباز در خوست، ۴۱ سرباز در لوگر، ۳۳ سرباز در نورستان، ۳۱ سرباز در بادغیس و ۲۹ سرباز خارجی در کندز کشته شده اند. همچنان تعدادی از نیروهای خارجی در شماری از ولایات دیگری نیز کشته شده اند، اما بدخشان، سرپل و دایکندی از جمله ولایاتی اند، که تا کنون در آن کدام سرباز خارجی کشته نشده است. گفتنیست، که اکنون تمام نیروهای خارجی در افغانستان در چوکات آیساف به رهبری ناتو فعالیت دارند. اکنون ۴۸ کشور دنیا در افغانستان در چوکات آیساف بیش از ۱۳۳ هزار سرباز دارند، که حدود یکصد هزار آنها را امریکایی ها تشکیل میدهند.

کوشش در جهت ایجاد اردوی ملی و همزمان با آن احیای ملیشه بازی و در پهلوی آنها توسل به شیوه های ناکام جرگه سازی. پذیرش مصلحت هایی که هر کدام دارند همان نتایجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازمانی که مصلحت و روز مره گی اساس کار و سیاست باشد، که هست، هیچ نشانه ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس روزانه برنامه می سازد. با قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و . . . در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند. دومیلیون بیکار، پنج میلیون گرسنه و مریض و . . .

موسسه پژوهشی وابسته به پوهنتون براون در آمریکا در گزارشی پیش بینی کرده که هزینه دو جنگ عراق و افغانستان و عملیات نظامی در پاکستان به چهار هزار و چهارصد میلیارد دالر خواهد رسید. موسسه واتسن می گوید که این گزارش نتیجه یک مطالعه گسترده با همکاری پژوهشگران چندین پوهنتون آمریکا است. براساس برآورد این موسسه، هزینه این جنگ ها تا به امروز به مرز سه هزار و دوصد میلیارد دالر رسیده و دولت آمریکا تا زمان خروج کامل نیروهای آمریکایی از خاک عراق و افغانستان بیش از هزار میلیارد دالر دیگر خرج خواهد کرد. این ارقام با برآوردهای رسمی دولت آمریکا از هزینه این جنگ ها بسیار متفاوت است. باراک اوباما چندی قبل گفت که این جنگ ها در طول دهسال اخیر نزدیک به هزار میلیارد دالر برای خزانه دولت این کشور هزینه داشته است.

علت این اختلاف فاحش در ارزیابی پژوهشگران پوهنتون براون و دولت آمریکا را باید در تعریف متفاوت آنها از هزینه های جنگ جستجو کرد. با جمع زدن میزان بودجه ای که کنگره آمریکا از زمان حملات یازده سپتامبر برای عملیات نظامی در افغانستان و عراق تصویب کرده است به رقم بیش از یک هزار و دوصد میلیارد دالر می رسیم که به ارزیابی رئیس جمهوری آمریکا نزدیک است. در مقابل ۲۰ اقتصاد دان و متخصصین علوم سیاسی و وکیل که در این پژوهش پوهنتون براون شرکت کرده اند با یاد آوری این واقعیت که دولت آمریکا با کسری شدید بودجه در عمل همه هزینه این جنگ ها را با فروش اوراق قرضه به بانک های جهان و وام گرفتن تامین کرده است، می گویند که باید سود پرداخت شده به بیش از هزار میلیارد دالر را هم در محاسبه هزینه این جنگ ها به حساب آورد. این رقم تا به امروز نزدیک به دوصد میلیارد دالر بوده است و هر روز به آن اضافه می شود.

آنها همچنین بخش مهم این گزارش را به هزینه انسانی جنگ اختصاص داده اند. بیش از نود و نه هزار سرباز آمریکایی در این دو جنگ آسیب دیده اند. درمان این تعداد زخمی جنگ و رسیدگی به سربازانی که با اختلالات روانی ناشی از سالها حضور در شرایط سخت عملیات نظامی دست و پنجه نرم می کنند، به همراه هزینه های بیمه و بازنشستگی مادام العمر برای این سربازان در جمع به بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

این پژوهش به مخارج غیر مستقیم اجتماعی و سیاسی این جنگ هم پرداخته است. از هزینه ساخت و اداره زندان های جدید در افغانستان و عراق تا رشد قدرت و نفوذ شرکت های قراردادی آمریکایی طرف قرار داد اردوی این کشور و تاثیر گذاری آنها بر سیاست گذاری های دولت و کنگره آمریکا. مجموع قراردادهای وزارت دفاع آمریکا با این شرکت ها تا به امروز ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. برآورد این مطالعه از رقم سربازان و پیمانکاران کشته شده آمریکایی در این دو جنگ بیش از هشت هزار نفر و قربانیان غیر نظامی افغان و عراقی نزدیک به صد و چهار هزار نفر است. انتشار این گزارش چند روز پس اعلام تصمیم باراک اوباما برای خروج یک سوم نیروهای آمریکایی از افغانستان، می تواند به انتقادات بسیاری از هم حزبی های او که از آقای اوباما خواسته اند با سرعت بیشتری به این جنگ خاتمه دهد شدت بخشد. این گزارش همچنین با به چالش کشیدن روش های محاسبه هزینه های جنگ توسط سیاستمداران در خاک سفید و کنگره آمریکا به آنها توصیه کرده است که با شفافیت و صداقت همه هزینه های کوتاه مدت و بلند مدت عملیات های نظامی این کشور را در اختیار افکار عمومی قرار دهند تا تاریخ جنگ های پر هزینه با دست آوردهای محدود و ناپایدار تکرار نشود.

با اینهم اگر چه در شروع روند انتقال مسئولیت های امنیتی از سربازان خارجی به نیروهای داخلی تعداد ششصد و پنجاه سرباز آمریکایی از کابل خارج و به کشور خود بازگشتند، اما در این مورد که آیا صد هزار سرباز آمریکایی تا سال دوهزار و چهارده میلادی واقعا افغانستان را ترک میکنند یا خیر، شک و تردید های فراوانی وجود دارد. تا کنون روند واگذاری مسئولیت های امنیتی در مناطق تعیین شده طبق اعلام فبلی جریان دارد، این پروسه از ولایت بامیان آغاز شد و سپس تامین امنیت شهر مهترلام مرکز ولایت لغمان به نیروهای داخلی واگذار گردید، فردای آن نیروهای انگلیسی از شهر لشکرگاه مرکز ولایت نا آرام هلمند خارج شدند، سی سرطان سربازان ایتالیایی از شهر هرات در غرب کشور خارج گردیده و

مسئولیت تامین نظم و امنیت این شهر را به نیروهای افغان واگذار کردند و روز شنبه سی و یک سرطان روند انتقال مسئولیت ها رسماً در شهر مزار شریف نیز به مرحله اجرا در آمد و سربازان آلمانی مسئولیت تامین امنیت این شهر را به نیروهای افغان واگذار کردند.

همچنین ولایت نا آرام میدان وردک در مسیر راه بامیان به کابل موقعیت دارد و این مساله نیز یک نقطه تهدید برای امنیت بامیان محسوب میگردد چنانکه در همین منطقه میدان وردک بود که "طالبان" رییس شورای ولایتی بامیان را از موترش که از کابل بازمی گشت ر بوده و به قتل رساندند و جسدش را مثله کردند. در ولایت لغمان تنها امنیت شهر مهترلام (مرکز ولایت) و در ولایت هرات تنها امنیت داخل شهر هرات به نیروهای داخلی واگذار شده است. در ولایت لغمان تمامی ولسوالی های آن نا امن است و در ولایت هرات نیز حداقل چهار ولسوالی جزو مناطق پر خطر شناخته میشود. از سوی دیگر شاید شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند از امنیت نسبی برخوردار باشد اما یقیناً هیچ یک از ولسوالی های آن از لحاظ امنیتی قابل اطمینان نیست. حدود ده هزار سرباز انگلیسی در طول دهسال نتوانستند "طالبان" و تروریستهای خارجی را از ولایت هلمند اخراج و امنیت این منطقه را تامین نمایند، امنیت کاذبی که در این ولایت وجود دارد بسیار شکننده و آسیب پذیر است. ولایت هلمند اکنون نیز مانند گذشته بزرگترین مزرعه ی کوکنار و مرکز تولید مواد مخدر جهان است. اگر چه مرحله نخست روند واگذاری مسئولیت های امنیتی به نیروهای داخلی همچنان ادامه دارد و برخی گمانه زنی های خوشبینانه نیز حاکی از آنست که سربازان امریکایی هم تا پایان سال دوهزار و چهارده میلادی از افغانستان خارج میشوند اما شواهد موجود در جامعه افغانستان عکس این گمانه زنی ها را ثابت میسازد.

سربازان امریکایی در برخی از مناطق کشور در حال ساخت و ساز استحکامات جدید نظامی هستند استحکاماتی که به نظر می رسد دستکم برای بیست سال آینده است. مقامات امریکایی بارها گفته اند که از تجربه تلخ دهه هشتادعبرت گرفته اند و این بار تا کار جنگ را در افغانستان یکسره نکنند از این کشور خارج نمی شوند یا به قول خود شان مردم افغانستان را تنها نمیگذارند.

دولت امریکا از یکسو در عرصه تبلیغات از خروج نیروهای خود تا سال دوهزار و چهارده سخن میگوید ولی از جانب دیگر در صدد ایجاد پایگاههای دائمی نظامی در افغانستان است و حامد کرزی را برای

امضای سند استراتژیک میان دو کشور تحت فشار گذاشته است. ایجاد پایگاه نظامی به معنای حضور درازمدت با اختیارات وسیع و نامحدود در افغانستان است. این شواهد نشان میدهد که امریکایی ها با وجود هزینه های سنگینی که در جنگ افغانستان متقبل میشوند به این آسانی و بدون دستاورد روشن و مشخص مانند اتحاد جماهیر شوروی از این کشور خارج نخواهند شد. با این حال آمادگی ها برای تطبیق عملیات انتقال مسئولیت های امنیتی در شهرهای کابل و پنجشیر نیز جریان دارد و گمان می رود این عملیات در دو منطقه فوق الذکر نیز خیلی سریع و بدون مشکل جدی انجام شود.

ادامه دارد . . .

www.esalat.org